



## شهید رجب جان احمد رگل

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۴/۲۳

نام پدر: علی

تحصیلات شهید: دیپلم کشاورزی

محل تولد: روستای گل

محل شهادت: جبهه کوشک منطقه ام الرصاص

آرامگاه شهید: روستای گل

نحوه شهادت: ترکش خمپاره دشمن

مسئولیت شهید در جبهه: فرمانده دسته لشکر ۵ نصر تیپ ۱۸ جوادالائمہ (ع)

❖ **خلاصه ای از زندگی نامه شهید:** شهید رجب جان احمدی در سیزدهم رجب روز میلاد مولایش حضرت علی (ع) به دنیا آمد و رجب نام گرفت و در بیست سوم رمضان ایام شهادت آن حضرت هم به شهادت رسید. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند. از آنجائیکه مدرسه راهنمایی در روستا نبود، سال اول راهنمایی را در کنار برادر بزرگش که در سپاه دانش در شهرستان ورامین مشغول بودند گذراند و بعد هم به همراه ایشان به شهرستان قاین آمدند، آنگاه جهت ادامه تحصیل در مقطع متوسطه به بیرجند عزیمت نمود و تحصیلاتش را تا پایان سال سوم متوسطه در مرکز آموزش کشاورزی محمدیه ادامه داد. در اوقات فراقت همیشه در روستا در خدمت پدر و مادرش بود و در کارهای کشاورزی کمکشان می کرد و همچنین جهت تبلیغات انقلابی و بیداری مردم روستا و اعلام و پخش رهنمودها و بیانیه های امام (ره) فعالیت گسترده داشت. وی به نماز اول وقت و روزه مستحبی و کمک به مستمندان در روستا و مناطق فقیرنشین بیرجند توجه ویژه ای داشت. ایشان با توجه به جو معنوی حاکم و شور و شوق حضور در جبهه های حق علیه باطل، از نظر روحی و اخلاقی به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و با لبیک به دعوت امام امت به استخدام رسمی سپاه درآمد و پس از گذراندن دوره آموزشی سه ماهه در مشهد به عنوان فرمانده دسته در لشکر ۵ نصر تیپ ۱۸ جوادالائمہ به جبهه اعزام و در تاریخ بیست و سوم تیر ماه سال ۱۳۶۱ در ایام شهادت حضرت امیر المومنین (ع) در جبهه کوشک، شرق بصره منطقه ام الرصاص در عملیات رمضان بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

باسمه تعالی - به تاریخ ۶۱/۳/۲۴ وصیت نامه اینجانب رجب جان احمدی

وَلَاتَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ. (کسانی که در راه خدا شهید شده اند مرده نپندارید بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگار خود کامیاب)

**سخنی با مردم شهیدپرو:** برادران و خواهران، دو ستان عزیزم به سخنان آخرم چند لحظه توجه کنید. خدایا اول از تو می خواهم که این بنده گناه کارت را ببخشی چرا که اگر تو من را نبخشی و نیامری که می خواهی مرا ببخشد. خدایا من از گناهان گذشته خود توبه می کنم و امیدوارم که مورد عفو و بخشش تو قرار بگیرم. خدایا تو به ما نعمتهای زیادی دادی که من نتوانستم شکرگزار ذره ای از نعمتها و رحمتهای تو باشم. خدایا ما زمانی در جهل و نادانی بسر می بردیم و من دنیا را بپوش و بی ارزش می دانستم و از خودم و زندگی انسانها بدم می آمد. همیشه پیش خود فکر می کردم چرا ما را آفریده و چرا نام ما را انسان گذاشته در صورتیکه در عمل زندگی ما از حیوان هم بدتر بود چرا که ما هم مانند حیوانات فقط بفکر خوردن و خوابیدن و رشد ظاهری بودیم و بعد هم ازدواج و پیری و بعد هم مردن. در صورتیکه اگر دقت کنید درست حیوانات هم همین زندگی را دارند. همیشه پیش خودم می گفتم زندگی ما که در عمل مانند حیوانات است پس چرا خدا نام ما را انسان گذاشته است حتماً کسبیکه دو دست و دو پا داشته باشد که انسان نیست. الان می فهمم چرا در آن زمان جوانان ما به دنبال این و آن مکتب می گشتند و انحراف فکری پیدا می کردند و فهمیدم هدف از خلقت ما انسانها این نیست که بیائیم در دنیا چند صباحی را مانند حیوان زندگی کنیم و بعد هم بمیریم. تو بر ما منت گذاشتی و این چنین رهبری روشن، قاطع و آگاه به ما دادی که ما را زنده کرد و مفهوم زندگی را به ما آموخت. خدایا از تو عاجزانه می خواهم این امید مستضعفین جهان را که فرعونیان زمان با شنیدن نامش بر خود میلرزند تا ظهور حضرت مهدی ولی عصر امام زمان (عج) نگهدار. خدایا هزار مرتبه شکر که با زنده شدن اسلام واقعی و این انقلاب، ما را دو مرتبه زنده کردی و حیاتی دیگر دادی و زندگانی از حالت پوچی ما را به حالت هدفدار درآوردی و آن هدف رسیدن انسان به رشد و تکامل و رسیدن به معراج و سرای الله است. بلی برادران و خواهرانم حال که ما راه زندگی کردن خود را به برکت این انقلاب و اسلام و رهبری امام و روحانیت با لطف و عنایت خداوند یافته ایم دشمنان اسلام و انسان این فرعونیان و خیانت کاران بشر بخصوص امریکای جنایتکار و نوکر مزدورش صدام می خواهند ما را دو مرتبه به همان حالت زبونی و خواری بکشاند و این نور الهی را که از ایران بلند شده که می خواهد مستضعفین جهان را نجات دهد خاموش سازند ولی آنها کور خوانده اند چرا که مستضعفین جهان و ملت مسلمان ایران راه نجات خود را یافته اند و تا آخرین قطره خون خود از این انقلاب و اسلام دفاع خواهند کرد حتی اگر تمام زندگی خود را از دست بدهند، دست از حمایت امام خود و روحانیت مبارز بر نخواهند داشت. پس خدایا چون تو از همه داناتر و آگاه تری اگر میدانی شهادتم به نفع اسلام و این

انقلاب است هر چه زودتر مرا شهید گردان و تنها خواهشی که از تو دارم این است که مردن من شهادت در راه تو باشد.

**سخنی با خانواده ام:** مادر، برادران و خواهرانم این را به یاد داشته باشید که ما همه از خدائیم و به سوی او باز می گردیم البته یکی دیرتر و یکی زودتر و او هر موقع بخواهد ما را می برد پس اگر او می برد همه شما باید خوشحال باشید و افتخار کنید به شهادتم، لطف و مرحمت خدا شامل حال شما و این بنده گناهکار شده است. پس از شما چند خواهش دارم که اگر به آن عمل کردید بدانید که رضایت خدا را جلب کرده اید و من همیشه روحم شاد خواهد بود. اول اینکه اگر لیاقت شهادت داشتم و جنازه ای از من به دست شما رسید هر جا که برای شما آسان تر بود و اسباب زحمت کمتر بود مرا دفن کنید. دوم اینکه اگر شهید شدم برایم گریه نکنید و برای اینکه تو دهانی به کفار و منافقین و دنیا پرستان بزنید برایم جشن بگیرید و شیرینی تقسیم کنید و از پوشیدن لباس سیاه خودداری کنید و مجلسی که برگزار می کنید باید مانند مجلسی باشد که انگار دارید برایم مجلس دامادی می گیرید و اگر شهید شدم در واقع داماد شده ام و شما محکم و استوار همچون کوه باشید و تو مادر برای حفظ اسلام باید اگر لازم شد فرزندان دیگر خود را هم فدا کنی. از همه شما التماس دعا دارم به امید پیروزی اسلام بر کفر.

**سخنی هم با برادران پاسدارم:** برادرانم قدر خود را بدانید و با نفس خود به جهاد برخیزید و سپاسگزار خدا باشید که بر شما منت گذاشته و شما را پیروان راه حسین (ع) بزرگ پاسدار اسلام قرار داده. شما امروز مسئولیت بس بزرگ بر دوش دارید و آن پاسداری از اسلام است. چشم تمام مسلمانان و مستضعفین به شما دوخته شده و این را بدانید عملی که انجام می دهید اگر فقط برای رضای خدا باشد و خدا از اعمالتان راضی باشد شما همیشه پیروز خواهید بود. از همه شما برادران سپاه و بسیج التماس دعا دارم.

شعار مرگ بر امریکا و خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار از یادتان نرود.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ - رجب جان احمدی گل